پوشش زنان در ادیان توحیدی شبه جزیره در صدر اسلام ـ مهراب صادق‌نیا
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۳ «ویژه زن و خانواده»، تابستان ۱۳۹۸، ص ۶۷-۸۷

پوشش زنان در ادیان توحیدی شبه جزیره در صدر اسلام

مهراب صادق‌نیا*

چکیده: یهودیت و مسیحیت هر کدام به دلایلی در جامعهٔ عربستان عصر نزول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. نظام دینی یکتاپرست آنان از نظر اخلاقی از نظام‌های شرک و چندگانه‌پرستی متراکم‌تر بود. سنت دینی یهودیان و مسیحیان پوشش را برای زنان واجب دانسته و آن را نشانهٔ عفت و پاک‌دامنی می‌داند. در حالی که روایت‌های مختلفی در بارهٔ پوشش زنان و دختران عرب وجود دارد، تا اندازه‌ای روشن است که زنان اهل کتاب پوشیده‌تر از زنان عرب بودند. اشعار، نقاشی‌ها، و ادبیات برجای مانده از آن دوران نشان می‌دهد که برخی از زنان اهل کتاب تمام بدن و نیز سر و صورت خود را می‌پوشاندند. "جلباب" که قرآن کریم پوشیدن آن را برای زنان و دختران مسلمان لازم دانسته است، یک واژهٔ حبشی است که مسیحیان در آن‌جا ساکن بودند و این نشان می‌دهد که پیش از آنان که اسلام حجاب را بر زنان مسلمان واجب کند، پیروان اهل کتاب پوشش کاملی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: زنان اهل کتاب؛ حجاب؛ عربستان؛ عصر رسالت.

*. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب sadeghniam@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

مقدمه

جامعه عرب در روزگار پیش از اسلام، ترکیبی بود از نظام‌ها و نیز شبه‌نظام‌های دینی مختلف. از بت‌پرستی و چندگانه‌پرستی گرفته تا نظام‌های دینی یکتاپرست. هر کدام از این ادیان در معابد ویژه‌ای تمرکز داشتند. با این حال، در نزدیکی‌های آغاز رسالت پیامبر اسلامﷺ این مسیحیت بود که بیش از دیگر ادیان گسترش یافته بود. یهودیت نیز به دلایل مختلف در میان مردم آن زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.[۱] آن‌ها ملتی برخوردار از یک سنت دینی شفاهی فربه بودند که به آنان این امکان را می‌داد تا با اعتماد به نفس بیشتری نسبت به ادیان بومی از باورداشت‌های خود سخن بگویند. شناخت عربستان پیش از اسلام، و وضعیت دینی و فرهنگی‌اش برای مسلمانان، بیش‌تر از این نظر مهم است که آنان را با زمینه‌های شکل‌گیری و تکوّن آموزه‌های اسلام آشناتر می‌کند.

مسألهٔ حجاب و پوشش زنان در شمار بحث‌انگیزترین تکالیف دینی زن مسلمان در جهان امروز است. نرخ این مشاجرات به گونه‌ای است که حجاب زوایای زیادی پیدا کرده و از یک موضوع صرفاً دینی به یک مسألهٔ دامنه‌دار در حوزه‌های مختلف علمی، تاریخی، و اجتماعی تبدیل شده است. برای فهم معنا و کارکرد حجاب، شاید مناسب‌ترین راه توجه به بستر پیدایش و شکل‌گیری این آموزه است. این بررسی تاریخی به ما نشان می‌دهد که پیامبر اسلامﷺ در چه وضعیتی از درک دینی و فرهنگی از حجاب، زنان مسلمان را به پوشیدن سر و بدن خود از چشم نامحرم امر فرمودند. مقالهٔ پیش رو به وضعیت حجاب زنان یهودی و مسیحی عربستان در هنگام پیدایش اسلام ناظر است.

۱. لامنس، اچ، عربستان باختری در روزهای قبل از هجرت، در فصلنامه تاریخ اسلام شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

یهودیان و مسیحیان عربستان در عصر بعثت

بستر تاریخی دینداری در عربستان، چندگانه‌پرستی و کیش‌های بومی بود. با این حال، اشاعه و نفوذ مذاهبی که به خدای یگانه معتقد بودند و از مدت‌ها پیش در عربستان رسوخ یافته و پیروانی داشتند، سبب سستی و تحوّل بت‌پرستی شده بود. این وضع تا عصر بعثت پیوسته شدّت یافته بود. بعید نیست که یهودیان نخستین کسانی باشند که یکتاپرستی را به عربستان آورده باشند. حضور ادبیات یهودیان در شعر عرب جاهلی نشان می‌دهد که آنان در شمار پرنفوذترین گروه‌های مذهبی عربستان عصر نزول بوده‌اند. اگر چه تاریخ ورود آنان به عربستان روشن نیست؛ ولی نشانه‌هایی وجود دارد که معلوم می‌کند یهودی‌ها قرن‌ها قبل از میلاد به مناطق شمال غرب عربستان از قبیل نواحی تیماء، خیبر، یثرب، و فدک مهاجرت نموده و ثروتمند شده بودند.[1]

در این که یهودیان چرا و به چه منظوری به سوی شبه‌جزیره عربستان گسیل شده بودند، اسناد و شواهد محکمی در دست نیست. *جواد علی* می‌گوید: "ما نصوص تاریخی محکمی که بر اساس آن بتوانیم دربارهٔ یهود در جزیرةالعرب سخن بگوییم نداریم، مانند این‌که در چه زمانی به آنجا آمده و چه کارهایی می‌کرده‌اند و... اما به هر حال، اصل وجود یهود در جزیرةالعرب مسلم است. اما احتمالاً ورود یهود به جزیرةالعرب در عهد *بخت نصر* بوده است.[2] *محمدعلی قطب* نیز در این زمینه می‌گوید:

> حضور یهود در شبه جزیره اصیل نبوده، بلکه عارضی است. اما دربارهٔ زمان ورود آنها به شبه جزیره اختلاف وجود دارد. هر کسی به ادله‌ای استناد می‌کند

۱. علی احمد، صالح، ۱۹٦۰م، *محاضرات فی تاریخ العرب*، الدول العربیة قبل الاسلام، بغداد، مکتبه المثنی، ج. ۱، ص. ۱۷۱.
۲. جواد علی، ۱۹۷٦م، *تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام*، بغداد، دارالعلم، مکتبة النهضة. ج. ٦، ص. ٥١١ تا ٥١٤.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

و روایات و قرائنی را به عنوان تأیید نظر خود ارائه می‌کند. در واقع اینها مرجحات و اجتهاداتی است که غرض آنها در اکثر موارد، خدمت به حقیقت تاریخی است. سپس می‌گوید: به نظر ما علت مهاجرت یهود به جزیرةالعرب حملهٔ بختّنصر به آنهاست.[1]

به هر روی پیشینهٔ یهودیان در شبه جزیرهٔ عربستان نباید به پیش از سال ۵۸۶ قبل از میلاد باز گردد. در این سال وقتی نبوکد نصر حکومت یهودیه را تصرف و معبد یهودیان را ویران کرد، شمار زیادی از یهودیان را به همراه صدقیا پادشاه آنان به بابل برده و آنان را تبعید نمود. این نخستین حضور یهودیان در مناطق عرب‌نشین به شمار می‌آید. البته موج دوم مهاجرت یهودیان به این مناطق به سال ۷۰ میلادی باز می‌گردد که این بار نیز معبد توسط رومیان تخریب شده و یهودیان مجبور شدند اورشلیم را ترک کنند.[2]

یهودیان در شبه‌جزیره، از آن‌جا که دین خود را یک دین نژادی می‌دانستند کسی را به آن دعوت نمی‌کردند؛ امّا در نشر اساطیر و قصص رجال و روایات تاریخی خود در میان مردم تلاش می‌کردند. آنان به عنوان قصه‌گویان در جلسه‌های مردم شرکت کرده و داستان‌های سنت مکتوب و شفاهی خود را برای آنان روایت می‌کردند و از این راه، فرهنگ و آداب و رسوم خود را در میان اعراب منتشر می‌کردند. از این نظر فرهنگ یهودی در عربستان آن روزگار فرهنگی شناخته شده بود.[3] با این حال، یهودیان عربستان نتوانسته بودند خود را از فرهنگ عرب‌ها دور نگه دارند. آنان از فرهنگ عربی رنگ گرفته بودند؛ مثل عرب‌ها لباس می‌پوشیدند

۱. قطب، محمد علی، ۱٤۰۵ق، *معارك النبی مع الیهود والاستیراتیجیة العربیةالموحدة*، قاهره، مکتبة مدبولی، ص ١٦ و ١٧.
۲. حتّی، فیلیپ خلیل، ١٣٦٦، *تاریخ عرب*، ترجمة ابوالقاسم پاینده، تهران آگاه، ص ۷۸.
۳. حسن، حسین علی، ۱٤۰۵ق، *حضارة العرب فی عصر الجاهلیة*، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشروالتوزیع، ص ۱۷۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

و با اعراب ازدواج می‌کردند و به زبان عربی سخن گفته و شعر می‌سرودند:

یهودیان جزیره با زبان و لهجهٔ عربی سخن می‌گفتند و دلیلی بر اینکه آنها به زبان عبری سخن می‌گفته‌اند، نداریم. تنها افرادی که با حرفهٔ کتابت و سحر سروکار داشتند، لغت عبری را می‌دانستند و کتب مقدس را برای افرادی که آشنا به این زبان نبودند، می‌خوانده و تفسیر می‌کردند. در میان یهودیان شبه جزیره، کسی که معروف به فقاهت و تألیف باشد، وجود نداشته است. یهودیان یثرب سحر و کهانت می‌دانستند و مشرکان برای این امور به نزد آنها می‌آمدند.[۱]

احوال مسیحیان شبه‌جزیره با دینداران یهودی قدری متفاوت بود. در این زمینه شواهد قطعی وجود ندارد. کهنه‌ترین روایات از حضور مسیحیان در سرزمین عربستان به سدهٔ نخست میلادی، یعنی شش قرن پیش از اسلام باز می‌گردد. این روایت در عهد جدید وجود دارد: "و به اورشلیم هم نزد آنانی که قبل از من رسول بودند نرفتم، بلکه به عرب شدم و باز به دمشق مراجعت کردم." (غلاطیه ۱: ۱۷) دور از ذهن نیست که مراد پولس از "عرب" سرزمینی باشد که آن زمان نبطیان بر آن فرمان می‌راند و از سال ۱۰۶ میلادی بخشی از ایالت غربی امپراطور روم شده بود.[۲]

گزارش‌های پراکندهٔ دیگری مربوط به سده‌های دوم و سوم وجود دارد که بر اساس آن‌ها در سال ۲۲۵ در قطر کلیسا و یا اسقفیه وجود داشته است و نیز شواهدی در دست است که در سدهٔ چهارم میلادی در مناطق جنوب شرقی شبه‌جزیره و شهرهای مهمی چون حیره جوامع مسیحی حضور داشته‌اند.[۳]

مسیحیت در عربستان کم‌تر حاصل مهاجرت مسیحیان و بیشتر نتیجهٔ تبلیغ

---

۱. جواد علی، همان، ۵۵۸ تا ۵۶۰.

2 . Griffith, Sidney H(2002), "Christians& Christianity" in Encyclopedia of Quran, V. 1, Brill. PP307-315.

3. Trimingham, J. Spencer(1979), *Christianity among the Arabs in Pre-Islamic Times*, Longman, London. P. 77.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

رسولان و مبلغّان مسیحی است. نخستین هیئت تبلیغی مسیحیان در سال ۳۵۶ میلادی به ریاست تئوفیلوس هندی و در زمان حکومت کنستانتینوس دوم به سوی جنوب عربستان، یعنی یمن گسیل شدند. مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین منطقه‌ای که در نتیجهٔ این تبلیغات مسیحی شدند، منطقهٔ نجران بود. مردم این منطقه همان‌هایی هستند که در نهایت و پس از ظهور اسلام با رسول اکرمﷺ مباهله کردند. گروهی از عرب‌های منطقه نجران متأثر از تبلیغات مسیحیان جذب آموزهٔ طبیعت الهی داستن عیسیؑ شدند و از بت پرستی به این دین روی آوردند. با این حال، مهاجرت نیز از اسباب فراوانی جمعیت مسیحیان در عربستان بود. در دوره‌های کشتار و شکنجهٔ شاهان ایرانی، بویژه شاپور دوم (۳۱۰- ۳۷۹ میلادی) و یزدگرد دوم (۳۹۹-۴۲۰ میلادی) مسیحیان برای نجات جان خویش راهی عربستان آن روز شدند.

پوشش زنان در شبه‌جزیره

جامعه عرب در دوران جاهلیت ترکیبی بود از نظام‌های پدرسالاری و مادرسالاری که مردها به هر حال دست بالا را داشتند. در این نظام جاهلی زنان اوضاع خرسند کننده‌ای نداشتند. ساختار بشدت مردانه حقوق آنان را نادیده گرفته بود. ولادت دختر برای پدران نشانهٔ بدی بود و اسباب رنجش پدران می‌شد. (نحل ۵۸ و ۵۹) در قبایل زیادی از عربستانِ آن روز، زنان حق غذا خوردن در کنار شوهران خود را نداشتند. شاید گفتهٔ خلیفه دوم در مورد وضعیت زنان در جاهلیت گواه خوبی باشد: «کنا فی الجاهلیة لانعد النساء شیأً.» یعنی ما پیش از اسلام زنان را به هیچ می‌انگاشتیم.[۱] آزاردهنده‌تر این است که زنان خود نیز این وضعیت را پذیرفته بودند و وقتی از آنان پرسیده می‌شد بهترین زن چه کسی است: بهترین زن کسی است که پسری در

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ٦، ص٦٩.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

شکم، پسری در بغل و پسری که پشت سرش راه می‌رود، داشته باشد.[1]

منابع تاریخ جاهلی در بارهٔ میزانِ فعالیت اجتماعی بانوان روایت یکسانی ندارند. آن‌چه مسلم است همهٔ زنان چنین حقی نداشته‌اند[2] و تلاش برای یافتن رویّه‌ای یکسان ممکن نیست.[3] روابط اجتماعی و آداب و رسوم، شهر به شهر، قبیله به قبیله و حتی گروه به گروه مختلف و بوده است. همانند فعالیت‌های اجتماعی زنان، پوشش آنان نیز رویّهٔ یکسانی نداشته است؛ در قبیله‌ای زنان با کمترین لباس نزد مردان حاضر می‌شدند و از آنان پذیرایی می‌کردند و در قبیلهٔ دیگر هنگام خروج از منزل از پوشش کامل استفاده کرده و تا بازگشت به خانه از آن جدا نمی‌شدند.[4] گونه‌گونی پوشش و زینت زنان با محیط اجتماعی و طبیعی آنان نسبت معناداری داشت. برای نمونه در زندگی صحرایی که ارتباط میان دو جنس زن و مرد کم‌تر بود، پوشش زنان ساده‌تر و یک‌دست بود، به ویژه این‌که آنان برای فرار از آسیب‌های طبیعی از پوشش بیشتری استفاده می‌کردند. شرایط سخت صحرا زنان بادیه‌نشین را مجبور به پوشاندن سر و صورت می‌کرد، همان‌گونه که مردان نیز چنین می‌کردند.[5] با این حال، برخی منابع می‌گویند زنان ساکن بادیه، به دلیل شرکت فعال در تحصیل معاش، نسبت به زنان شهری از آزادی بیشتری برخوردار بودند. این زنان بیابانی حجابی نداشتند و آزادانه با مردان در اجتماع اختلاط می‌کردند.[6]

پوشاندن سر و صورت نزد زنان جاهلی، خلاف رویه بود و زنان بدون حجاب

۱. احمد امین سلیم، جوانب من تاریخ و حضارة العرب فی العصور القدیمه، ص۲۵۳.
۲. آمنه فتنت مسکه برّ، واقع المرأه الحضاری فی الاسلام، ص۱٤۰.
۳. جواد علی، همان، ج ٥، ص ٥۲٦.
٤. انصاری، فاضل، العبودیه، الرق و المرأه، ص۲٥۰.
٥. أمل نصیر، صورة المرأه فی الشعر الاموی، ص ۱۰٥.
٦. السعداوی، نوال، چهره عریان زن عرب، ص۲۲۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

در جامعه ظاهر می‌شدند.[1] آن‌گونه که جاحظ می‌گوید: بین زنان و مردان جاهلیت، حجابی نبود و آنان به سهولت با هم معاشرت و گفت‌وگو می‌کردند و نگاه به همدیگر هیچ عار و ننگ نبود.[2] زمخشری نیز می‌گوید: "پوشش آنان به گونه‌ای بود که مواضع مهیّج و تحریک‌کننده مانند گردن و سینه نمایان بود".[3] از دیگر شواهدی که در این زمینه می‌توان ارایه داد طواف برهنهٔ زنان در خانهٔ خداست؛ از شواهد تاریخی بر می‌آید که برخی از زنان به صورت عریان در اطراف کعبه طواف می‌کردند.[4] بررسی اشعار جاهلی نشان می‌دهد که در جاهلیتِ پیش از اسلام، موسم حج فصلی برای خودنمایی زنان بر مردان بوده است. برخی از برای دل‌بری کردن به صورت عریان طواف می‌کردند تا خواستگار مورد نظرشان پیدا شود.[5]

به دلیل همین دل‌بری‌هاست که تاریخ عرب زن را همواره "فتنه" می‌خوانده است. ادبیات جاهلی عرب زن را همواره به صورت کنیزی بازیگر دل‌فریب، خدعه‌گر، شیطان‌صفت، عشق‌باز و معرفی کرده است و تمام این خصلت‌ها با کمک قدرت جنسی زنانه و توانایی آنان در طنازی معطوف می‌شده است. در ادبیات عرب، روسپیان نقشی به مراتب مهم‌تر از زنان پاکدامن عفیف دارند. به نظر می‌رسد روسپیان سمبل زنان حقیقی‌اند، زنان بدون ماسک و حجاب: "یک روسپی یک زن حقیقی است، چرا که ماسک فریب را از چهره خود برداشته و دیگر به تظاهر به این که عشق می‌ورزد، و یا به ادعای پاکی و اخلاص نیازی ندارد.[6]

مطالعهٔ برخی روایات که از پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دست ما رسیده است

۱. عفیفی، عبدالله، المرأة العربیه فی ضلال الاسلام، ص۱۲۰.
۲. جاحظ، رسائل، ج ۲، ص ۱٤۸.
۳. زمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل و...، ج۳، ص٦۲.
٤. انصاری، فاضل، العبودیه، الرق و المرأه، ص۲۵۳.
۵. پیشین.
٦. نجیب محفوظ، خان خلیلی، ص ٤۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

نیز از وضعیت پوشش زنان در آن روزگار حکایت دارد. برای نمونه از عایشه نقل است که می‌گوید:

> رسول خدا ﷺ به منزل آمد در حالی‌که دختری در خانه‌ام بود. رسول خدا پارچه‌ای را که دور کمرش بسته بود به من داد و گفت: این پارچه را به دو نیم قسمت کن، یک نیم را به این دختر، و نیم دیگر را به دختری که در منزل امّ‌السلمه است بده، زیرا فکر می‌کنم این دو دختر بالغ شده‌اند.[1]

این روایت و روایاتی از این دست که تعدادشان کم نیست، نشان می‌دهد که برهنه‌گی در عرب جاهلیت رفتاری چندان زشت نبوده است. اگر چه بی‌لباسان و یا کم‌لباسان معمولاً از سرِ فقر و ناداری این پوشش را بر می‌گزیدند و در نقطهٔ مقابل آنان، ثروتمندانی بودند که با پوشیدن لباس‌های بلند و گشاد در سطح جامعه رفت و آمد می‌کردند. بدین‌سان لباس و پوشش افزون بر جنبه‌های اخلاقی نشان دهندهٔ طبقهٔ اجتماعی زنان نیز بود.

پوشش زنان اهل کتاب

سنت دینی یهودیان و مسیحیان اشارات روشنی به حجاب و مفاهیم در پیوند با آن دارد. در این سنت علاوه بر تأکید به رعایت عفاف و پاک‌دامنی و تأکید بر حجاب زنان، همواره قوانینی برای حفظ عفت عمومی وجود داشته است. در این سنت پوشش به گونه‌ای تثبیت شده بود که نشانه‌ای از پاک‌دامنی و تعهد اخلاق جنسی بود. در نقل ماجرای ازدواج اسحاق با رفقه، در سفر پیدایش آمده است: "رفقه چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر فرود آمد، زیرا که از خادم پرسید، این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت آقای من است. پس برقع خود را گرفته خود را پوشانید.» (پیدایش ۲۴: ۶۴-۶۵) همچنین در کتاب

۱. سنن ابوداود، ص ٦٤٢.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

مقدّس لزوم پوشش موی سر (اعداد ۵: ۱۸) با واژگانی برقع (غزل غزل‌ها ۴: ۱)، چادر و نقاب (امثال ۳، ۱۵) آمده است. در اسفار حضرت موسی بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان و پرهیز از هرگونه آرایش برای دیگر مردها، **تأکید** شده است. (پیدایش ۳۸: ۱۵) در کتاب «روت» در باب استفاده از"چادر" می‌خوانیم: "و بوعز (مردی از بنی اسرائیل) خطاب به روت (عروس نعومی و از زنان بنی‌اسرائیل) گفت: چادری که برِ توست بیاور و بگیر، پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده و بر آن گذاشت و به شهر رفت.» (روت، ۳: ۱۵) در کتاب مقدّس واژه «چادُر» و «برقع»، که به معنای روپوش صورت است، کیفیت پوشش زنان اهل کتاب را نشان می‌دهد.

افزون بر کتاب مقدس، در سنت تلمودی نیز بر مسألهٔ حجاب و پوشش زنان تأکید فراوان شده است. تلمود آموزش می‌دهد که اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ مهریه طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ مهریه به ایشان تعلّق نمی‌گیرد: زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند، برای مثال، بدون پوشاندن سرِ خود، به میان مردان می‌رود؛ در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک‌سری به گفت‌وگو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلندصدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگانِ او می‌شنوند که چه می‌گوید.[1]

در سنت تلمودی تمام بدن زن "عورت" شمرده شده و نسبت به رعایت پوشش و حجاب در تمام بدن او تأکید شده است.[2] در این سنت شایسته نیست دختران یهودی بدون پوشش کامل از منزل خارج شوند. این کار موجب نزول بلا شده و

۱. کهن، آبراهام (۱۳۵٦)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه گوگانی، ص ۱۸٦.

2. Talmud, Suta 8a.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

اسباب روی‌گردانی خدا از قوم اسرائیل خواهد شد. در تفسیری که اشعیا از تخریب اول معبد (۵۸۶ قبل میلاد) دارد، دلیل این ویرانی معبد و اسارت اسرائیل بی‌حجابی زنان یهودی عنوان شده است.[۱]

از دیگر مؤیدهای قوانین سرسختانه و شدید عفاف و وجوب پوشش نزد اهل کتاب و بویژه یهودیان، تفکیک محل عبادت زنان از مردان در کنیسه‌ها، مجاز نبودن به اخذ شغل اجرایی و قضایی زنان، ناشایسته شمردن اشعاری که در وصف زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده است که در متن مقدّس صریحاً بیان شده است.[۲]

ویل‌دورانت در الزام حجاب برای زنان یهودی می‌نویسد:

> اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت چنان که مثلا بی‌آنکه چیزی بر سر داشته باشد به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سختی از مردان درددل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در این صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.[۳]

المسیری نیز در دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیزم می‌نویسد: "نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. این نگاه افراطی در جامعه دینی و فرهنگی زمان یهود، محدودیت زنان را در عرصه‌های شدت مردسالاری آن دوران می‌رساند که بعضاً از ممنوعیت مدرسه دختران کاملاً آشکار

۱. کهن، همان، ص. ۱۸۷

۲. سالتز، ادین اشتاین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی، ص ۲۰۵.

۳. ویل دورانت (۱۳٦۷)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمدآرام و دیگران، چ سوم، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ج ۱۲، ص ۳۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

است."[1]

سنت یهودی خلوت مردان و زنان را بد می‌داند و آموزش زنان توسط مردان را نهی می‌کند. "در این سنت گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اِناث، حتّی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود ..... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه تدریس خصوصی برای اِناث مجاز بود."[2]

خاخام دکتر مناخم برایر[3] در کتاب *زن یهودی در ادبیات ربّانی* می‌نویسد: "رسم زنان یهودی این بوده است که سر پوشیده در انظار عمومی ظاهر می‌شدند به گونه‌ای که گاهی اوقات حتی همهٔ صورت جز یک چشم را می‌پوشاندند."[4] در همین کتاب او از ربّی‌های نامدار یهودی توصیه‌هایی این‌گونه در بارهٔ حجاب بیان می‌دارد: "پسندیده نیست دختران اسرائیل با سرهای برهنه در ملاء عام قدم بزنند.... نفرین بر مردی که اجازه دهد موهای همسرش دیده شود. زنی که موهای آراستهٔ خود را در معرض دید دیگران بگذارد با خود فقر و تنگدستی می‌آورد."[5] در سنت ربّی‌های یهودی نیایش با خدا در حضور یک زن برهنه ممنوع است و آشکار شدن موی سر زنان به معنای برهنگی است و سبب می‌شود دعا به استجابت نرسد.

دکتر مناخم برایر در بارهٔ تجربهٔ تاریخی جوامع یهودی از حجاب زنان می‌نویسد:

> در دورهٔ تانایتک قصور و کوتاهی زنان یهودی در پوشاندن موی سرشان توهین به عفت عمومی و حیاء جامعه شمرده می‌شده است. به همین دلیل وقتی

---

۱. المسیری، عبدالوهاب (۱۳۸۳)، *دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، تهران*: موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه.

۲. دورانت، ویل، همان، ص ٦٦.

3. Menachem m. Brayer.

4. Brayer, Menachem M (1986), The Jewish woman in Rabbinic literature: A psychological perspective, haboken. P. 239

5. Brayer (1986), p. 240.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

سرشان برهنه می‌شد، به موجب این لغزش و گناه چهارصد زوزیم جریمه می‌شدند.[1]

البته حجاب و پوشش زنان یهودی همواره به معنای پاکدامنی و رعایت عفت عمومی نبوده است. در تاریخ یهودیت، پوشش نمادی از بلندنظری و اصالت اجتماعی و نشانهٔ عزّت نفس بوده است. به همین دلیل پوشش را نباید همواره به معنای رعایت اخلاق جنسی و یا عفاف دانست.

در عهد جدید و سنت دینی مختص به مسیحیان نیز تأکید بر پوشش ادامه دارد. مسیحیان نه تنها آموزه‌های عهد عتیق در باب پوشش را نسخ نکرده‌اند، بلکه پوشش زن در مسیحیت آن‌قدر مورد تأکید است که زنان ترجیح می‌دهند بیش‌تر خانه‌نشین و مطیع شوهران خود باشند و کمتر وارد اجتماع می‌شدند. از طرفی، مردان را نیز ملزم به رعایت شدید چشم می‌نمود و سفارش می‌کرد "کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است." (متی، ۱: ۲۸) در این سنت، تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آیینه و سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری را نیز از موارد مغایر با عفاف شناخته و ممنوع شده‌اند. پطرس صریحاً بیان می‌کند که «شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و.." (اول پطرس ۳: ۱-۶). پولس نیز در رسالهٔ خود به تیموتائوس می‌گوید: "همچنین زنان، خویشتن را بیارآیند به لباسِ مزّین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رختِ گران‌بها...زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلّط شود؛ بلکه در سکوت بماند". (تیموتائوس ۲: ۹- ۱۵)

برخی دیگر از آیات عهد جدید در باب پوشش و عفت زنان را این‌گونه می‌توان

1. Brayer(1986), p. 239.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

بیان کرد:

زنان جوان خِردانديش، عفيفه، خانه‌نشين، نيكو و مطيع شوهران خود باشند. دستورات دينی پاپ‌ها و كاردينال‌های مسيحی كه براساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزيين موی سر و آرايش آن و تنظيم آنها در آيينه و سوراخ كردن گوش‌ها و آويختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قيمتی، رنگ كردن مو و تغيير صورت ظاهری ممنوع بود. (اول پطرس ۳: ۱-۶)

همچنين زنان پير در سيرت متقی باشند و نه غيبت‌گو و نه بنده شراب زياده؛ بلكه معلمات تعليم نيكو تا زنان جوان را خِرَد بياموزند كه شوهردوست و فرزنددوست باشند و خردانديش، عفيفه، خانه‌نشين، نيكو و مطيع شوهران خود كه مبادا كلام خدا متهم شود. (تيطس۲: ۱-۶)

در رسالهٔ اول پولس به قرنتيان در باب دليل لزوم پوشش برای زنان اين‌گونه می‌خوانيم:

اما می‌خواهم شما بدانيد كه سر هر مرد، مسيح است و سر زن، مرد و سر مسيح خدا. هر مردی كه سرپوشيده دعا يا نبوّت كند، سر خود را رسوا می‌نمايد. اما هر زنی كه سر برهنه دعا و يا نبوّت كند، سر خود را رسوا می‌سازد، زيرا اين چنان است كه تراشيده شود. زيرا اگر زن نمی‌پوشد، موی سر را نيز ببُرد؛ و اگر زن را موی سر بريدن يا تراشيدن قبيح است، بايد بپوشد. زيرا كه مرد را نبايد سر خود را بپوشد. چون كه او صورت و جلال خداست؛ اما زن جلال مرد است. زيرا كه مرد از زن نيست بلكه زن از مرد است. و نيز مرد به جهت زن آفريده نشد، بلكه زن برای مرد. از اين جهت زن می‌بايد عزّتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان. ... در دل خود انصاف دهيد: آيا شايسته است زن ناپوشيده نزد خدا دعا كند؟ آيا خود طبيعت به شما نمی‌آموزد كه اگر مردی موی دراز دارد، او را عار می‌باشد؟ و اگر زن موی دراز دارد او

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

را فخر است، زیرا که موی به جهت پرده بدو داده شد؟ و اگر کسی ستیزه‌گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادتی نیست. (اول قرنتیان ۱۱: ۳- ۱۵)

ترتولیان (۱۶۰-۲۲۰ م)، یکی از برجسته‌ترین الاهیدان‌های دورهٔ آباء مسیحی و در حقیقت پایه‌گذار مسیحیت لاتینی، در رساله‌ای با عنوان پوشش دختران که به او منسوب است، به مسألهٔ پوشش زنان پرداخته است. البته مسألهٔ اصلی او در این رساله، ضرورت پوشش سر توسط دختران در هنگام دعا و حضور در کلیساست. زیرا در میان آباء کلیسا پوشیدن زنان شوهردار مورد توافق بود، ولی در بارهٔ دوشیزگان چنین توافقی نبود. او در این رساله می‌نویسد: "ای زنان جوان شما در خیابان‌ها با حجاب ظاهر می‌شوید، در حالی‌که باید در کلیسا و در میان غریبه‌ها و برادرانتان خود را بپوشانید."[۱] البته در ادامهٔ رساله یادشده ترتولیان به ضرورت پوشش زنان مسیحی در تمام عرصه‌های زندگی توجه کرده و آنان را به رعایت حجاب توصیه می‌کند.

با این‌که کتاب مقدس و سنت دینی یهودیان و مسیحیان بر پوشش زنان تأکید زیادی دارد، ولی واقعیت اجتماعی در بارهٔ زنان شبه‌جزیره در عصر رسالت ماجرای دیگری است که باید با استناد به شواهد تاریخی آن را فهمید. واقعیت آن است که آگاهی‌های اعتمادآفرینی در این زمینه وجود ندارد. شاید کهن‌ترین گزارش در این زمینه به قدیس ترتولیان بازگردد. او اشاره دارد که در عربستان سر و صورت زنان مسیحی پوشیده بوده و تنها یک چشمشان پیداست. برخی شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که در میان مسیحیان نجران پوشاندن صورت امری معمول بوده است. باز گردد. در حالی‌که برخی شواهد تاریخی تا اندازه‌ای از وضعیت به نسبت مطلوب

۱. عبدالعظیم محمد، شریف (۱۳۸۹)، زن در اسلام مسیحیت و یهودیت، ترجمه‌ی مهدی گلجان، دفتر مطالعات و تحقیقات زن و خانواده، ص ۷۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

پوشش در میان زنان یهودی و مسیحی روایت می‌کنند؛ برخی دیگر از مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که یهودیان و مسیحیان بیش از آن‌که به سنت دینی خود پای‌بند باشند، از اختلاط فرهنگی با عرب‌ها تأثیر پذیرفته بودند. این مطالعات نشان می‌دهد آنان بیشتر از فرهنگی که در آن می‌زیستند تاثیر پذیرفته بودند تا سنت دینی خودشان. جواد علی در این زمینه می‌گوید:

> یهود جزیرةالعرب در اموری مانند لباس پوشیدن و ... بر خصائص نژادی خود چندان محافظت نمی‌کردند. از این رو، لباس عربی می‌پوشیدند و با اعراب ازدواج می‌کردند و شعر عربی می‌گفتند. یهودیان در قلعه‌ها زندگی می‌کردند و قدرت بسط نفوذ خود و تشکیل حکومت را نداشتند، بلکه در سایهٔ رؤسای قبایل زندگی کرده و مبالغی را سالیانه به آنها پرداخت می‌کردند تا رؤسای قبایل از آنها حمایت کنند و مانع تعدی دیگران به آنها شوند و در همین راستا، با قبایل هم پیمان می‌شدند.[۱]

در نقطهٔ مقابل، برخی مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد زنان یهودی و مسیحی در شبه جزیرهٔ عربستان در عصر رسالت پوشیده‌تر از زنان صحرانشین و اعراب بوده‌اند. آنان لباس بلند و پوشیده‌ای داشتند ولی سر و گردن خود را نمی‌پوشیدند و البته برخی شواهد نشان می‌دهد گروهی از آنان، از دستمالی برای پوشش سر نیز استفاده می‌کردند. شهید مطهری معتقد است که یهودیان پوششی به مراتب سخت‌گیرانه‌تر از آن‌چه بعدها اسلام آن را واجب شمرد داشته‌اند:

> در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می‌کردند حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست وجود داشت. در بین این ملت‌ها وجه و کفین هم پوشیده می‌شد، بلکه در بعضی از ملت‌ها سخن از پوشیدن

۱. جوادعلی، همان، ۵۵۸-۵۶۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

زینت زن و چهره زن نبود، سخن از پنهان کردن زن و به اصطلاح «قایم» کردن زن بود و این فکر به صورت عادت سفت و سختی درآمده بود. اسلام گرچه پوشانیدن وجه و کفین را واجب نکرد ولی تحریم هم نکرد، یعنی اسلام علیه پوشانیدن چهره قیام نکرد و باز گذاشتن را واجب ننمود و در نتیجه ملت‌های غیرعرب که مسلمان شدند از همان عادت و رسم دیرین خود تبعیت کردند.[۱]

نقاشی‌ها و ادبیات و اشعار برجای مانده از آن دوره نشان می‌دهد زنان یهودی و مسیحی در عربستان آن روز پوشیده‌تر از دیگران بودند. در متن مسیحی شهدای حمیر که گویا به ماجرای اصحاب اخدود مربوط است و اندکی پیش از ظهور اسلام و آغاز رسالت در منطقهٔ نجران رخ داده است، عباراتی وجود دارد که تأکید می‌کند زنان مسیحی پوشش کاملی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از این سند بر می‌آید آنان به طور معمول صورت خود را نیز می‌پوشاندند.[۲] در تصویرسازی‌هایی که از حضرت مریم و نیز زنان مقدس مسیحی در شبه جزیره باقی مانده است، زنان از لباس‌هایی پوشیده برخوردارند به گونه‌ای که حتی سر آنان نیز پوشیده است.

در آیات قرآن نیز شواهد و قرائنی در دست است که می‌تواند دلیلی برای وجود پوشش در میان زنان یهودی و مسیحی در زمان آغاز رسالت پیامبر باشد. برای نمونه آیهٔ ۵۹ سورهٔ احزاب: "یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یو ذین و کان الله غفورا رحیما؛ یعنی: ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو جلبابهای خود را بر خویش فرو افکنند (نزدیک خود سازند)، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سر زده، توبه کنند) خداوند همواره

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، ۵۲۵/.
۲. پاکتچی، احمد، حجاب در دایرةالمعارف بزرگ اسلام، ج ۲۰، صص. ۱۲۱- ۱۴۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

آمرزنده مهربان است." در این آیه کلمهٔ جلابیب جمع جلباب به معنای یک لباس بلندی است که زنان بر روی دیگر لباس‌های خود می‌پوشند، یک واژهٔ حبشی است که در قرآن به‌کار رفته است. تأکید قرآن بر این واژه نشان می‌دهد که زنان ساکن حبشه که مسیحی بوده‌اند از این نوع پوشش برخوردار بوده‌اند.[1] استفادهٔ قرآن کریم از این واژه و نیز درک معنای آن توسط مخاطبان رسول خدا نشانهٔ این است که این پوشش فراگیری زیادی داشته است، به گونه‌ای که کسی از معنا و چرایی انتخاب آن پرسش نکرد.

از این شواهد بر می‌آید که اسلام مبدع حجاب و پوشش کلی و نیز پوشش سر نبوده است؛ امّا آن را تأیید کرده و بر اهمیت آن تأکید کرده است. قرآن کریم از مردان و زنان با ایمان به اصرار می‌خواهد که دیدگان خود را از نامحرم فرو بسته و پاک‌دامنی پیشه سازند، سپس به زنان با ایمان سفارش می‌کند که با روسری موها، گردن و سینه‌های خود را بپوشانند:

> و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.
> (سوره نور: ۳۱)

۱. پاکتچی، احمد، همان، ص ۱۲٤.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

این که قرآن کریم در این آیه و در آیاتی مشابه اینگونه از مفاهیم هم‌دامنه با حجاب سخن می‌گوید و مخاطبان توان فهم آن‌ها را دارند، نشان می‌دهد که آنان با این مفاهیم آشنا بوده‌اند و این آشنایی می‌تواند مستند به پوششی باشد که زنان اهل کتاب در مناطق مختلف عربستان عصر نزول داشته‌اند.

افزون بر آیه‌ای که در بالا به آن اشاره شد، می‌توان به پاره‌ای از روایات نیز در این زمینه اشاره داشت. روایاتی که کنیزان و یا پیروان دیگر ادیان را از پوشش سر معاف می‌دارد نشانهٔ دیگری است بر این که آنان بدن خود را می‌پوشانده‌اند و تنها در زمینهٔ پوشش سر و صورت رخصت داشتند.[۱] و البته در نظر فقهای امامیه بهتر آن است که آن‌ها نیز سر و موی خود را بپوشانند.[۲] و برخی از فقهای شیعه به استحباب حجاب برای آنان حکم داده‌اند.[۳] فضای حاکم بر روایات یاد شده نشان می‌دهد که این روایات می‌توانند به معنای اجازهٔ پوشش سر باشند، چون پوشیدن سر در حقیقت به معنای مشابه‌شدن کنیزان با آزاده‌ها بود و برخی روایات نشان می‌دهند خلیفهٔ دوم (برای نمونه) کنیزان را از این پوشش نهی می‌کرده‌اند.

جمع‌بندی

یهودی‌ها و مسیحی‌ها دو جریان فکری ریشه‌دار در عربستان زمان نزول بوده‌اند. آنان بر خلاف ادیان بومی و چندگانه‌پرست از سنت دینی متراکمی برخوردار بودند سنتی که پوشش را بر زنان آنان الزام می‌کرد. با این حال، دانسته‌های اعتمادآفرینی در دست نیست که نشان دهد آنان به مثابه اقلیت ساکن در آن منطقه، توانسته باشند هم‌چنان بر سنت دینی خود پافشاری کرده و پوششی را برگزینند که برابر سنت

۱. طوسی، محمد (۱٤۰۰)، الاقتصاد، ص ۲۵۸.

۲. حلبی تقی، ابوالصلاح (۱٤۰۳)، الکافی، گردآوری رضا استادی، اصفهان، ص ۱۳۹.

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ٤، ص ٤۸۷، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱٤۲۱ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

دینی‌شان باشد. برخی‌ها ممکن است از سرِ گمان تصوّر کنند: "قوم مغلوب (اقلیت) همواره شیفته تقلید از شعائر و آداب و طرز لباس و مذهب و دیگر عادات و رسوم ملت غالب است."[1] و به همین دلیل این اندیشه را تقویت کنند که زنان اهل کتاب مانند زنان عرب پوشش مطلوبی نداشته‌اند. با این حال، شواهد تاریخی منبع قابل اعتمادتری هستند.

شواهد تاریخی روایت متفاوتی دارند. بر اساس این شواهد پوشش زنان اهل کتاب از اعراب ساکن منطقهٔ عربستان بیشتر بوده. روایات و شواهدی وجود دارد که مسیحیان و یهودیان در پوشیدن سر و صورت خود نیز جدی بودند. در آیات قرآن کریم کلمات و مفاهیمی در بارهٔ حجاب بکار رفته است که برای مردم عربستان آن روز آشنا بودند. این مفاهیم بیشتر در مناطق مسیحی نشین مثل نجران و یا حبشه بکار رفته و مورد استفاده بود. این بدان معناست که پوشش مورد تأکید اسلام در زنان اهل کتاب آن منطقه، پوششی رایج بوده است.

منابع

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی ثوبه الجدید، ج ۴، ص ۴۸۷، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بناه نشر و ترجمه،۱۳۴۵.

حلبی تقی، ابوالصلاح(۱۴۰۳)، الکافی، گردآوری رضا استادی، اصفهان.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار.

عبدالعظیم محمد، شریف(۱۳۸۹)، زن در اسلام مسیحیت و یهودیت، ترجمهٔ مهدی گلجان، دفتر مطالعات و تحقیقات زن و خانواده، ص. ۷۷.

پاکتچی، احمد، حجاب در دایرةالمعارف بزرگ اسلام، ج ۲۰، صص. ۱۲۱- ۱۴۱.

کهن، آبراهام(۱۳۵۶)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه گوگانی، ص ۱۸۶.

۱. مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بناه نشر و ترجمه،۱۳٤٥.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]

سالتز، ادین اشتاین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی، ص ۲۰۵.
ویل دورانت(۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، ترجمه احمدآرام و دیگران، چ سوم، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ج ۱۲، ص ۳۰.
المسیری، عبدالوهاب(۱۳۸۳)، دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه.
السعداوی، نوال، چهره عریان زن عرب.
عفیفی، عبدالله، المرأة العربیه فی ضلال الاسلام.
جاحظ، رسائل، ج۲.
زمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل و.
انصاری، فاضل، العبودیه، الرق و المرأه.
نجیب محفوظ، خان خلیلی.
سنن ابوداود.
بخاری، صحیح بخاری، ج۶.
احمد امین سلیم، جوانب من تاریخ و حضارة العرب فی العصور القدیمه.
آمنه فتنت مسکه برّ، واقع المرأه الحضاری فی الاسلام.
انصاری، فاضل، العبودیه، الرق و المرأه.
أمل نصیر، صورة المرأه فی الشعر الاموی.
علی احمد، صالح، ۱۹۶۰م، محاضرات فی تاریخ العرب، الدول العربیة قبل الاسلام، بغداد، مکتبه المثنی.
جواد علی، ۱۹۷۶م، تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، بغداد، دارالعلم، مکتبة النهضة.
قطب، محمد علی، ۱۴۰۵ق، معارك النبی مع الیهود والاستیراتیجیة العربیةالموحدة، قاهره، مکتبة مدبولی.
حتّی، فیلیپ خلیل، ۱۳۶۶، تاریخ عرب، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران آگاه.
حسن، حسین علی، ۱۴۰۵ق، حضارة العرب فی عصر الجاهلیة، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشروالتوزیع.
لامنس، اچ، عربستان باختری در روزهای قبل از هجرت، در فصلنامه تاریخ اسلام شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۵.
Brayer, Menachem M (1986), The Jewish woman in Rabbinic literature: A psychological perspective, haboken. P. 239.
Griffith, Sidney H(2002), "Christians& Christianity" in Encyclopedia of Quran, V. 1, Brill. PP307-315.
Trimingham, J. Spencer(1979), *Christianity among the Arabs in Pre-Islamic Times*, Longman, London.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.5.9]